

مصاحبه‌شونده: دکتر علی اکبر اکرامی

مصاحبه‌کننده: محمدتقی صالحی، لیلا کریمی خانقاه

تاریخ مصاحبه: ۸/۵/۸۴

دانشکده: مهندسی متالورژی

سال ورود: ۱۳۵۲

### م.ک: برای برنامه چهلمین سال دانشگاه برنامه یا پیشنهاد خاصی دارید؟

م.ش: بسم‌الله الرحمن الرحیم. فکر می‌کنم در چهلمین سال تأسیس دانشگاه، بیشتر باید دستاوردها و فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی دانشگاه به جامعه و بخصوص قشر دانش‌آموزی که دانشجویان آینده این دانشگاه خواهند بود معرفی شود. این شناسایی می‌تواند در سطح موفقیت‌های دانشگاه، موفقیت‌های آموزشی، پژوهشی و همچنین در زمینه کار آفرینان موفق دانشگاه باشد. در زمینه معرفی دانش‌آموختگان موفق دانشگاه، که در حال حاضر و یا گذشته در سطوح مدیریتی مختلف به جامعه خدمت کرده و یا مشغول خدمت‌اند. معرفی رشته‌هایی که دانش‌آموزان با آن رشته و یا زمینه‌های کاری آن کمتر آشنایی دارند.

### م.ک: یک بیوگرافی کاملی از خودتان بگویید منتها بیشتر در زمینه سوابق علمی و اجرایی خودتان.

م.ش: متولد ۱۳۳۲ در شهرستان کاشمر می‌باشم. در سال ۵۲ به عنوان دانشجوی مهندسی متالورژی وارد دانشگاه شدم و در سال ۵۶ از اینجا لیسانس گرفتم. پس از خدمت سربازی در مهرماه سال ۵۸ به عنوان مربی در دانشگاه استخدام شدم. همزمان با کار در دانشگاه مدرک فوق لیسانس مهندسی متالورژی را در سال ۱۳۶۴ از دانشگاه تهران دریافت و در دیماه سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل و گرفتن دکترا عازم انگلستان شدم. پس از اتمام دوره دکتری در سال ۱۳۷۰ به ایران برگشتم. یعنی از سال ۵۲ که وارد دانشگاه شدم، اینجا ماندگار شدم. به جز چند سالی که برای دکتری رفتم.

### م.ک: و سوابق اجرایی؟

م.ش: در ۲ دوره مختلف حدود ۷ سال معاون آموزشی دانشکده بودم. ۲ سال معاون پژوهشی دانشکده و الان هم حدود ۴ سال است که مدیر کل آموزش آزاد دانشگاه هستم و همچنین از شهریور سال گذشته به عنوان

رئیس دانشکده، مشغول به کار هستم. از سال ۱۳۷۹، یعنی از بدو تأسیس قطب‌های علمی کشور، مسئولیت قطب علمی فرایندهای نوین تولید و شکلدهی مواد پیشرفته را نیز بعهده دارم.

### م.ک: قطب علمی متالورژی ایران، شریف است؟

م.ش: بله یک گرایش آن، یعنی مواد پیشرفته. در زمینه‌های دیگر مهندسی مواد، دانشگاه‌های دیگر قطب هستند. مثلاً دانشگاه صنعتی اصفهان، قطب آهن و فولاد را دارد. دانشگاه علم و صنعت، قطب سرامیک را دارد. دانشگاه تهران هم یک قطب دارد که دقیقاً مطمئن نیستم اسم آن چیست. احتمالاً مواد غیر آهنی است.

### م.ک: آقای دکتر، شما که هم دانشجو بودید و الان هم استاد هستید، پیشرفت در زمینه آموزش را چطور می‌بینید؟

م.ش: پیشرفت آموزشی خوبی داشته‌ایم. از نظر تنوع گرایشهای تحصیلی، افزایش تعداد دانشجویان، دایرشدن رشته‌های تحصیلات تکمیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا. بطوریکه در حال حاضر دانشجویان تحصیلات تکمیلی تقریباً با دانشجویان دوره کارشناسی برابر و یا بیشتر است. در دانشکده هم این نسبت برقرار است. در دانشکده مهندسی و علم مواد در سطح کارشناسی در ۲ گرایش متالورژی صنعتی و استخراجی سالانه حدود ۶۰ دانشجو می‌گیریم و همین تعداد هم در سطح کارشناسی ارشد، یعنی در سال حدود ۶۰ دانشجو در ۷ گرایش کارشناسی ارشد. حدوداً ۴ تا ۵ دانشجو در سطح دکتری داریم. یعنی عملاً دانشجویهای ما نسبت به قبل از انقلاب، در این دانشکده تقریباً ۲ برابر شده است. فعالیت‌هایمان هم بیشتر روی تحصیلات تکمیلی متمرکز شده کیفیت هم بالاتر رفته است. درس‌ها بیشتر تخصصی شده‌اند. یعنی از حد عمومی خارج شده. طول ترم نیز نسبت به قبل از انقلاب افزایش داشته است. در حال حاضر در یک ترم تحصیلی ۱۵ هفته تدریس می‌شود اما قبل از انقلاب طول ترم ۱۴ هفته بود که به دلیل اعتصابات و تعطیلی کلاسها عملاً ۱۰ هفته کلاس داشتیم.

### م.ک: یک سؤال حاشیه‌ای، پس التهابات سیاسی چیز خوبی نیست؟

م.ش: نه، این طور نیست گاهی ایجاب می‌کند. نمی‌توان گفت خوب نیست. چون شاید همان التهابات و حرکات باعث شد سیستم تغییر کند و انقلاب شود.

### م.ک: سؤال بعدی من هم همین است. فضای سیاسی آن موقع، تأثیر اساتید و دانشجویان اینجا در قضیه بهمن ۵۷؟

م.ش: گروه‌های سیاسی دانشجویی بودند و فعالیت می‌کردند ولی چون مخفیانه بود کسی آنها را نمی‌شناخت. بر اساس اطلاعیه‌هایی که اغلب در بوفه دانشگاه پخش می‌شد سایر دانشجویان نیز از برنامه‌های اعتراضات و

اعتصابات دانشجویان مطلع می شدند و تقریباً اکثر دانشجویان همکاری می کردند. همانطور که اشاره شد به علت تعطیلی کلاسها در سال ۵۲ و ۵۳ دو ترم دانشجویان حذف شد. طبیعی است که بازتاب این تظاهرات در خارج از دانشگاه و در جامعه در انقلاب بهمن ماه ۵۷ بی تاثیر نبود.

**م.ک: در مجموع علت سر کلاس نرفتن دانشجویان در آن زمان چه بود؟**

م.ش: اعتراض به سیستم.

**م.ک: درست ، ولی من نظرم این است که این در کل اعتراض به سیستم بود ولی این بهانه ای بود برای تعطیلی کلاسها**

م.ش: نه برای تعطیلی کلاسها نبود. بلکه تظاهرات در حدود ۱۶ آذر شروع می شد. هرچند سعی می شد که در این تاریخ دانشگاه خلوت باشد و بیشتر گردش های علمی را در این روزها می گذاشتند که کسی در دانشگاه نباشد ولی عملاً نمی شد. این اعتراضات تا بعد از ۱۶ آذر ادامه پیدا می کرد. اطلاعیه ها هم بیشتر در بوفه دانشگاه پخش می شد. صبح ها آنجا اعلام می شد که تظاهرات چه ساعتی است و هر کس می خواست، شرکت می کرد و اعتراضات وقتی شروع می شد ادامه پیدا می کرد. تقریباً " هر روز تظاهرات بود. شیشه های ساختمانها بخصوص شیشه های ساختمان ابن سینا ( مجتهدی سابق ) را می شکستند. تظاهرات هم بیشتر به صورت شیشه شکستن بود. در ابتدا گارد وارد دانشگاه نمی شد ولی اواخر، نزدیک به سال ۵۶ گارد وارد دانشگاه می شد و دانشجویها را دنبال می کرد. حتی به داخل ساختمانها هم می آمد. دقیقاً تاریخ آن یادم نیست ولی یادم هست اولین بار که تظاهرات به بیرون از دانشگاه کشیده شد ، دانشجویان تظاهر کننده شیشه های پیسی کولا را در خیابان آزادی شکستند.

**م.ک: شما هم بودید؟**

م.ش: نه، آن روز در دانشگاه نبودم.

**م.ک: به طور کل در تظاهرات و اعتراضات شرکت می کردید؟**

م.ش: بله . اگر چه سیاسی نبودم. یعنی در گروه خاصی نبودم ولی همگام با بچه ها در تظاهرات شرکت می کردم. آن زمان بچه ها همدل بودند. این طور نبود که یک عده بخواهند بیایند و کلاس تشکیل دهند.

**م.ک: اوضاع شریف در قیاس با سایر دانشگاه ها چگونه بود؟**

م.ش: اینجا تظاهرات خیلی شدیدتر بود و با دیگر دانشگاه ها فرق داشت و فکر می کنم از اینجا بود که تظاهرات ها شروع شد .

**م.ک:** یکی از انگیزه های ساخت دانشگاه شریف این بود که دانشگاه فنی ای باشد که مانند دانشکده فنی تهران سیاسی نباشد ولی گویا جریان عکس این می شود.

م.ش: در این مورد اگر با اساتید قدیمی تر که استاد بنده بودند و الان همکار هستیم صحبت کنید بهتر است. اما گویا تاسیس این دانشگاه در تهران موقتی بوده و قرار بر این بود که به اصفهان برود. اما در سال ۵۶ (اگر اشتباه نکنم) استادان نسبت به انتقال دانشگاه به اصفهان اعتراض و از حضور در کلاسها (بجز دروسهای ترم آخر که دانشجویان فارغ التحصیل می شدند) خودداری کردند. به علت عدم حضور استادان در کلاس یک ترم هم این طور تعطیل شد. البته من در آن زمان فارغ التحصیل شده بودم و زیاد از جزئیات اطلاع ندارم اما شنیده بودم که حتی حقوق استادان هم قطع شده بود و از بازار کمک گرفتند. همانطور که اشاره شد هدف از تأسیس این دانشگاه این بود که به اصفهان برود و نمی بایست اینجا بماند. زمانی که دانشجو بودم برای یک بازدید به اصفهان رفتیم و مکان فعلی دانشگاه صنعتی اصفهان را دیدیم و گفتند که قرار است شریف به آنجا برود.

**م.ک:** در زمینه پژوهشی چی؟ رابطه دانشگاه با زمینه های پژوهشی چطور است؟

م.ش: به نظر من خوب است. اگر ارقام و آمار دقیق بخواهید بهتر است با معاون پژوهشی صحبت کنید اما تا جایی که اطلاع دارم بالاترین سطح قرار دادهای پژوهشی را با خارج دانشگاه داریم که حدود ۱۱-۱۰ میلیارد تومان در سال است.

**م.ک:** در بین سایر دانشکده های فنی دیگر؟

م.ش: در کل دانشگاه بهتر است آمار دقیق را از معاون پژوهشی بگیرید. ولی کلاً این دانشگاه هم از نظر حجم قراردادهایی که با خارج از دانشگاه بسته می شود و هم از نظر تعداد مقالاتی که در مجله های خارجی به چاپ می رسد، اگر نسبت به تعداد اساتید بررسی کنیم بالاترین تعداد مقالات فنی را دارد. آماری که پارسال توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شد نشان می داد که اینجا و دانشکده فنی بیشتر مقاله را داشتند. یعنی مینا مقالات چاپ شده در مجلات ISI است.

**م.ک:** پس پر ارتباط ترین دانشکده با صنعت است؟

م.ش: نه بحث من کل دانشگاه است. در دانشکده هم، طبق آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بین دانشکده های مواد، رتبه دوم را داریم. رتبه اول دانشگاه امیر کبیر است. علت آن هم نبود رشته پلیمر در این دانشکده است. اگر مقالات مربوط به پلیمر را از دانشکده مواد امیر کبیر خارج کنیم، ما اول هستیم.

**م.ک:** آقای دکتر زمان دانشجویی کارهای فوق برنامه می کردید؟

م.ش: نه متأسفانه. خیلی کم. من بیشتر درس می خواندم. البته آن موقع مثل الان نبود که گروههای دانشجویی دفتر داشته باشند فعالیتهای فوق برنامه نیز مثل الان وجود نداشت. بیشتر اردوهای علمی بود که شرکت می کردم. برای مثال در گردشهای علمی اصفهان، آبادان و اهواز شرکت داشتم.

### م.ک: خاطره ای از این سفرها و یا دوران دانشجویی دارید؟

م.ش: بله. عکس هم دارم. یکی از سفرهایمان با یکی، دوتا از اساتیدمان بود. مرحوم دکتر فرجی (۲ یا ۳ سال پیش فوت کردند) همراه ما بودند. ایشان خیلی شوخ بودند. مدام با دانشجویان شوخی و مزاح می کردند. مدام با گفتن لطیفه دانشجویها را به خنده وا می داشتند. این یکی از خاطراتی است که هیچ گاه فراموش نمی کنم.

### م.ک: از لطیفه هایشان چیزی یادتان مانده است؟

م.ش: لطیفه های ایشان بیشتر راجع به همشهریهای خودشان بود. یک خاطره هم مربوط به تظاهرات دانشجویی است. آن موقع دانشگاه تازه تأسیس بود و شاید چند سالی بیشتر از تأسیسش نگذشته بود. یک روز ما کلاس فیزیک داشتیم. بعد از کلاس بچه ها بیرون آمدند. استاد هم جوان بود و همراه بچه ها از کلاس خارج شد. گارد آمد و یک باتوم به دست ایشان خورد. اسمشان هم اگر اشتباه نکنم آقای دکتر ریاحی بود. یعنی به قدری جوان بود که گارد فکر کرده بود از دانشجویها هستند. یک خاطره دیگر هم که از تظاهرات دارم این است که سالهای آخر گارد علاوه بر حضور در داخل دانشگاه به داخل ساختمانها نیز می آمد. یک روز قبل از ظهر حدود ساعت ۱۱، گارد دنبال بچه ها کرد. ما رفتم طبقه سوم ساختمان مجتهدی که نمازخانه بود. فکر کنم الان الف ۲۶ باشد. همه ریختند داخل نمازخانه و شروع کردند به نماز خواندن. هنوز ظهر نشده بود گارد وقتی دید همه مشغول نماز خواندن هستند برگشت.

### م.ک: آقای دکتر با توجه به اینکه دکتر شریعتی هم شهری شما بودند، شما سیاسی نشدید؟

م.ش: متأسفانه من از نزدیک افتخار آشنایی با ایشان را نداشتم چون سخنرانیهای ایشان بیشتر در دانشگاه مشهد بودند و بعد هم حسینیه ارشاد.

### م.ک: تأثیر این دانشگاه در نظام مدیریتی، آموزشی و صنعتی کشور چه بوده است؟ به صورت جدا جدا اگر می شود توضیح دهید.

م.ش: خوشبختانه فارغ التحصیلان این دانشگاه در تمام سطوح مدیریتی حضور دارند از پست وزارت گرفته تا سایر مدیریتها در رده های پایینتر وزارتخانه ها و صنایع، بنابر این نظرات آنها تأثیر گذار است.

### م.ک: علت را چه می دانید؟

م.ش: فارغ التحصیلان این دانشگاه علاوه بر داشتن اطلاعات فنی و علمی باهوش نیز هستند. چون دانشجویانی که به این دانشگاه وارد می‌شوند از رتبه‌های خوب و برتر کنکور می‌باشند. باید گفت باهوش هستند. برنامه‌های آموزشی نیز خوب اجرا می‌شود. از قبل از انقلاب برنامه‌ریزی‌های درسی در این دانشگاه توسط استادان و مطابق با نیاز جامعه انجام می‌شد.

**م.ک: از زمان دکتر امین گویا این گونه شد.**

م.ش: از بدو تأسیس اینگونه بوده. بعد از انقلاب فرهنگی نیز استادان اینجا در برنامه‌ریزی‌های استاد انقلاب فرهنگی حضور موثری داشتند. دانشکده ما هم حضور فعالی داشت و ریاست گروه مواد را هم یکی از همکاران به عهده داشت.

**م.ک: به جز رشته عمران گویا، رشته‌های دیگر حضور بسیار فعالی در این عرصه داشتند؟**

م.ش: عمران را نمی‌دانم ولی دانشکده متالورژی نسبت به دانشکده‌های متالورژی سایر دانشگاه‌ها خیلی فعال بود.

**م.ک: اتفاقاً یکی از سؤال‌ها در مورد ارتباط شما با هم‌دوره‌ای هایتان و فارغ التحصیلان است.**

م.ش: چون رییس دانشکده هستم مستقیم یا غیر مستقیم با کل فارغ التحصیلان در ارتباطم. هم دوره‌ای‌ها هم آنهایی که با هم نزدیک تر بودیم، هنوز در ارتباطیم. مثلاً اگر در شهرستان باشند، وقتی به آنجا می‌روم حتماً به آنها سر می‌زنم. دانشکده هم چند سال پیش کمیته‌ای از فارغ التحصیلان متالورژی دانشگاه را تشکیل داد که رئیس دانشکده هم عضو آن کمیته است. ماهانه جلساتی داریم که بیشتر مشکلات دانشکده مطرح می‌شود و آنها نیز در حد توان از فارغ التحصیلان کمک می‌گیرند.

**م.ک: اسم دقیق آن چیست؟**

م.ش: کمیته تخصصی انجمن فارغ التحصیلان متالورژی.

**م.ک: چه چیزی باعث ممتاز بودن شریف شده؟**

م.ش: اگر مؤسسه یا دانشگاهی بخواهد ممتاز یا ماندگار شود، تمام افراد وابسته به آن مؤسسه نقش موثری دارند. مثلاً در دانشگاه‌ها استادان، کارکنان اداری و فنی، و دانشجویان در موفقیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه نقش دارند. اگر کارکنان یک مجموعه دلگرمی داشته باشند و دل‌سوز باشند طبیعتاً این اتفاق خواهد افتاد. برای موفقیت بیشتر باید در درجه اول مقام، منزلت و احترام اجتماعی افراد حفظ شود و در درجه دوم از نظر مالی تامین باشند. با توجه به این که دانشجویان ورودی این دانشگاه باهوش می‌باشند فقط باید آنها را

خوب هدایت کرد و از نظر مالی نیز در حد زندگی دانشجویی تامین باشند تا فقط به درس خواندن و پژوهش فکر کنند. زمانی که دانشجو بودم می دیدم که استادان و کارکنان تا دیروقت (ساعت ۷ یا ۸ بعد از ظهر) در دانشگاه و دانشکده حضور دارند. همانطور که اشاره شد علت آن دلگرمی و دلسوزی آنها بود.

**م.ک: من با این ۴۰،۳۰ مصاحبه‌ای که انجام دادم یک حسی دارم که آن موقع یک جو خانوادگی حاکم بوده در شریف و حتی خانواده‌های کارکنان نیز درگیر بودند.**

م.ش: من آن موقع دانشجو بودم ولی با صحبت‌هایی که با همکاران داشتم این طور بوده. کمیته‌هایی وجود داشته که در جهت رفاه کارکنان و استادان تلاش می کرده اند. البته ابتدا به فکر رفاه کارکنان بوده‌اند. اما الان به قدری گرفتاری زیاد شده که دیگر کسی حتی فرصت صحبت کردن با کارمندش را ندارد.

**م.ک: من فکر می‌کنم از دید مدیریتی مسئله بسیار مهم است. وقتی تصمیم مدیریتی کلانی گرفته می‌شود بالاخره برای درست اجرا شدن نیاز به درست اجرا کردن آن توسط کارمندان است و وقتی تأمین نباشند این کار را نمی‌کنند.**

م.ش: بله درست است. یک مثال می‌آورم تا موضوع روشنتر شود. زمانی که دانشجو بودم، کامپیوتر نبود و همه کارها دستی انجام می‌شد و برای صدور کارنامه باید نمره‌ها ابتدا پانچ و سپس به ماشینهای محاسب داده می‌شد تا کارنامه صادر شود. دانشجویان در شروع ترم دوم، که حدود ۱۰ روز فاصله با ترم اول داشت، کارنامه خود را دریافت می‌کردند. اما در حال حاضر با این همه امکانات نرم افزاری و سخت افزاری صدور کارنامه معمولاً بیش از یک ترم طول می‌کشد. علت آن عدم دلگرمی و عدم احساس مسئولیت می‌باشد.

**م.ک: آقای دکتر، ما ورودی‌های خیلی خوبی داریم. شما فکر می‌کنید تجهیزات فیزیکی و آزمایشگاهی نیز به همین میزان خوب هستند که این‌ها خروجی‌های خوبی هم باشند؟ یا این مقدار را کافی نمی‌دانید؟**

م.ش: طبیعی است که هر چه تجهیزات بهتر و پیشرفته‌تر باشد آموزش و پژوهش بهتر انجام می‌شود. الان ما در دانشکده از تجهیزاتی استفاده می‌کنیم که من در دوران دانشجویی استفاده می‌کردم. من ورودی دوره ۸ بودم و این امکانات از زمان دوره‌های قبل وجود داشت و هم‌اکنون هم هست. در زمان تأسیس برای دانشگاه امکانات خوبی تدارک دیده‌اند و واقعاً دانشگاه مجهزی بود. اما بعد از انقلاب متناسب با رشد چشمگیر دانشجو امکانات و تجهیزات اضافه نشد. بهتر است به دانشگاهها بودجه تجهیزاتی بیشتری اختصاص یابد تا آزمایشگاهها و کارگاههای دانشگاه بتوانند پاسخگوی نیازهای آموزشی و پژوهشی امروز باشند.

**م.ک: آن طور که شریف باید باشد، نیست.**

م.ش: بله، درست است. اما چون دانشگاه بودجه دولتی دارد متناسب با بودجه سالانه می تواند برنامه ریزی کند. برای داشتن امکانات و تجهیزات مناسب باید هیات دولت بودجه کافی به دانشگاهها اختصاص دهد. قبلاً قانونی تصویب شد که صنایع ۲ در هزار در آمدشان را به مراکز پژوهشی و دانشگاهها اختصاص دهند. این قانون اگر خوب اجرا می شد وضع دانشگاهها خیلی بهتر از این بود.

در پایان جا دارد که من از تمامی استادان دوره دانشجویی، اساتیدی که الان همکار بنده هستند ولی من هنوز به چشم استاد به آنها نگاه می کنم، تشکر کنم بخصوص آقای دکتر پورآذرنگ که استاد راهنمای من بودند و الان همکار بنده هستند. آقای دکتر دوامی، که پروژه لیسانس من با ایشان بود. همین طور از تمام دست اندر کارانی که زحمت کشیده اند تا دانشگاه را به اینجا رسانده اند تشکر کنم.

**م.ک: از دوران دانشجویی تان برای ما خاطره نگفتید، از اردوها، خوابگاه.**

م.ش: در خوابگاههای دانشجویی که سکونت داشتم. یکی دو خاطره که یادم بود قبلاً گفتم.

**م.ک: یک سؤالی در ذهن من هست. ذوب آهن را روسها به ما دادند نه غربیها یعنی بده، بستان هایی که داشتیم، بیشتر با غرب بود ولی سر مسائل سیاسی که داشتیم نهایتاً از روسها گرفتیم نه غربیها و با توجه به اینکه اکثر تحصیل کرده های متالورژی ما در آلمان و انگلستان تحصیل کرده اند، با این حال تفاوت سیستم کاری شان زیاد نیست؟**

م.ش: طبیعی است. کشورهای غربی پیشرفته تر هستند. به هر حال در مسائل سیاسی آن زمان روسیه مقابل غرب بود و همیشه ایران سعی داشت ۲ طرف را داشته باشد.

**م.ک: مثل قضیه هسته ای الان. ما بیشتر سعی داریم از غرب بگیریم و با آنها گفت و گو می کنیم ولی گویا باید از روسها بگیریم. حالا الان سطح ما از نظر فولاد، ذوب آهن و متالورژی در دنیا چه طور است؟**

م.ش: کشورهای غربی که قبلاً از تولید کنندگان مهم فولاد دنیا بودند در حال حاضر تولید خود را کاهش و بیشتر در تولید آلیاژهای خاص و مواد خاص فعالیت می کنند و آهن و فولاد بیشتر در کشورهای جهان سوم تولید می شود. در عوض آنها به جای تولید ۱ کیلوگرم آهن یک قطعه بسیار ظریف می سازند و به چندین برابر قیمت می فروشند. در ایران نیز تولید آهن و فولاد در حال حاضر خوب و رو به افزایش می باشد. از نظر آموزش رشته متالورژی نیز پیشرفتهای خوبی داشته ایم و حتی در مقطع دکتری نیز پذیرش دانشجو داریم.

**م.ک: ولی چون صنعت پایه است باید آن را بدانیم.**

م.ش: بله، ما معادن فلزی زیادی داریم، نیروی کار و انرژی نسبتاً ارزان داریم. باید از امکانات موجود استفاده کنیم.

**م.ک: رشته متالورژی از صنایع پایه است و احتمالاً زمان جنگ خیلی به ما کمک کرده و میخواهم سهم آن را در تسلیحات نظامی بدانم و به خصوص در زمان جنگ؟**

م.ش: در ساخت یک قطعه و یا یک دستگاه، چه نظامی و چه غیر نظامی، مواد فلزی بکار می رود. بنابراین بطور مستقیم و یا غیر مستقیم متخصصین متالورژی نقش دارند. در زمان جنگ و یا صلح بی شک متخصصین متالورژی می توانند نقش مهمی در ساخت تسلیحات نظامی داشته باشند. از ساخت مواد اولیه مورد نیاز گرفته تا انجام عملیات ترمومکانیکی و عملیات حرارتی لازم برای ایجاد خواص و ساختار مورد نیاز.

**م.ک: پس فارغ التحصیلان اینجا احتمال دارد که در صنایع نظامی مشغول به کار شوند.**

م.ش: بله، تعداد زیادی از فارغ التحصیلان مهندسی مواد و متالورژی در صنایع نظامی مشغول به کار می باشند

**م.ک: با صنایع خودرو سازی چطور؟**

م.ش: بله، ارتباط با صنایع خودروسازی نه تنها در سطح دانشکده متالورژی، بلکه در سطح دانشگاه بسیار خوب و نزدیک است. اگر به خاطر داشته باشید، چند سال پیش بحث کارورزی با مگا موتور مطرح شد. دانشجویان رشته های مکانیک، متالورژی و صنایع درگیر این طرح بودند. طرحی بود که دانشجویان در طول سال هفته ای یک روز باید به آنجا می رفت و به ازاء هر چند دانشجوی یک استاد هم مأمور بود که یک روز در هفته را در کارخانه باشد. این اولین قدمی بود که دانشجویان وارد صنعت خودروسازی می شد. اما الان باز متأسفانه کم رنگ شده و دانشگاه های دیگر بیشتر دنبالش هستند. به هر حال شروع آن از اینجا بود. دانشکده ما با ایران خودرو و سایپو هم ارتباط خوبی دارد. چون مدیران ارشد این دو مرکز از جمله آقای ویسه از فارغ التحصیلان این دانشکده می باشند. بعضی از استادان با صنایع دیگر نیز ارتباط دارند و دانشجویان نیز به عنوان کارآموز با این صنایع در ارتباط اند.

**م.ک: الان هم فکر می کنم بار اصلی روی دوش آقای ویسه است.**

م.ش: بله. ایشان در سطح معاون وزیر می باشند. فارغ التحصیلان ما همه جا هستند و کافی است ما آنها را شناسایی کنیم. یعنی انجمن های علمی و تخصصی موجود باید فارغ التحصیلان را شناسایی و از کمک های آنها در جهت بهبود امکانات دانشگاه استفاده شود.

**م.ک: متشکرم. فقط یک سؤال. شما فکر می کنید طرح کارورزی تا چه حد برای دانشجویان مناسب است که با صنعت آشنا شوند؟ آیا این کافی است؟**

م.ش: نه ، کافی نیست. زمان ما هم کار آموزی بود اما چون اجباری نبود اغلب دانشجویان استقبال نمی کردند. زیرا برای کارآموزی در تابستان بدون هیچ امکاناتی باید به شهرستان می رفتند. اما الان متوجه شدم که خوب بود که می رفتم چون من آن زمان هیچ دیدی از صنعت نداشتم. به نظر من کارآموزی ای که الان نیز اجرا می شود ایده آل نیست. ابتدای انقلاب ، یعنی بعد از انقلاب فرهنگی کارآموزی واقعاً با دیدگاه دیگری مطرح شد. یعنی همزمان با معرفی دانشجو به عنوان کارآموز به صنعت، استادی هم معرفی می شد که در طول کارآموزی چندبار به او سر می زد و بسیار جدی بود. هم دانشجو، هم استاد و هم صنایع کارآموزی را جدی می گرفتند. دانشجو دیدش به صنعت باز می شد. کارورزی باز بهتر از کارآموزی بود. دانشجو هفته ای یک روز در طول تحصیل به صنعت می رفت و عملاً مطالبی را که می خواند می توانست در عمل از آنها استفاده کند. دانشجو نباید فقط به کلاس رفتن و شب امتحان درس خواندن و نمره گرفتن محدود شود. کاربردمسائل را باید بیاموزد. الان ما درس کارآموزی داریم ولی عملاً بی فایده است. درسی است که تعداد واحد آن صفردر نظر گرفته شده، امکانات لازم جهت بازدید استادان فراهم نمی شود و صنایع هم به کارآموزان توجه نمی کنند. انجام موفقیت آمیز کارآموزی، نه تنها باعث آشنایی دانشجویان با صنایع و محیطها کاری می شود بلکه می تواند در انتخاب شغل و آینده دانشجو نیز اثر مهمی داشته باشد.

#### **م.ک:خاطره ای از زمان تحصیل در دانشگاه و یا زمان انقلاب دارید .**

در سالهای آخر جهت جلوگیری از تظاهرات و بهم خوردن امتحانات، فقط دانشجویانی در روزهای امتحان می توانستند وارد دانشگاه شوند که در آن روز امتحان داشته باشند. در یکی از روزهای امتحان من و ۴، ۵ نفر از دوستانم جلو درب دانشگاه منتظر باز شدن درب دانشگاه و ورود به دانشگاه بودیم. یکی از ماموران گارد آمد و از بین چند نفری که با هم بودیم دست مرا گرفت تا به مقر گارد ببرد. دکتر ضرغامی، رییس وقت دانشگاه، که جلو درب دانشگاه بود متوجه شد. با مامور گارد صحبت کرد و گفت که اینها امتحان دارند او را آزاد کنید. مامور نیز مرا آزاد کرد.

#### **م.ک: دکتر ضرغامی خیلی هم اعتقاد داشتند که باید دانشگاه برود به اصفهان.**

م.ش: چون آن زمان دانشجو بودم از اعتقادات ایشان اطلاع نداشتم. اما پس از اینکه مدیرعامل مس سرچشمه شدند. سعی داشتند که فارغ التحصیلان دانشگاه را در آنجا استخدام کنند. بدین منظور تعداد زیادی از فارغ التحصیلان اینجا را ،حدوداً" در آن دوره ۲۰-۳۰ نفر، به عنوان طرح سربازی گرفتند و من هم جزء آنها بودم. پس از دکتر ضرغامی، فکر می کنم دکتر نصر رییس دانشگاه شدند.

م.ک: آقای دکتر، دکتر نصر اعتقاد داشته دانشگاه یک مرکز علوم انسانی هم باید داشته باشد. به خاطر همین و تخصصشان و ارتباط با دربار هم او را انتخاب کرده بودند. کلاً اعتقاد داشته دانشجوی فنی باید از علوم انسانی هم بداند.

م.ش: بله درس‌های زیادی ارائه می‌شد فقط دروس علوم انسانی نبود. طبق برنامه‌های درسی آن زمان دانشجویان می‌توانستند در صورت تمایل تا ۸ واحد از این دروس انتخاب کنند. یادم است درسی بنام هنر و فن عکاسی ارائه می‌شد که من هم آن درس را گرفتم. درس جالبی هم بود.

م.ک: عکاسی هم می‌کنید؟

م.ش: بله. عکس‌هایی هم گرفتم و چاپ کردم. اگر اشتباه نکنم جهت چاپ عکسها تاریک خانه‌ای در طبقه اول دانشکده صنایع یا ریاضی وجود داشت.

م.ک: این درس اختیاری بود؟

م.ش: بله. یک ساعت در هفته کلاس تئوری داشت و بقیه ساعات عملی. دوربین به ما می‌دادند که در محوطه دانشگاه عکس بگیریم و خودمان ظاهر و چاپ کنیم.

م.ک: آقای دکتر از این عکس‌ها هم به ما بدهید.

م.ش: حتماً

م.ک: لطفاً "مقایسه‌ای داشته باشید از فضای فرهنگی زمان قبل از انقلاب و فضای فرهنگی بعد از انقلاب؟ از تمام جهات نه تنها پوشش و رفتار دانشجویان.

م.ش: قبل از انقلاب مانند حالا، که به مناسبت‌های مختلف برنامه‌های مختلف اجرا می‌شود، برنامه‌های فرهنگی خاصی وجود نداشت. بیشتر دانشجویان یا تکی و یا در اجتماع چند نفره از دوستان مورد اعتماد خود برنامه‌های مورد نظر خود را داشتند. بعضی به سخنرانی‌های مذهبی که در مکانهای خاص برگزار می‌شد می‌رفتند و بعضیها باهم در بحثهای درسی شرکت می‌کردند و... از نظر لباس پوشیدن هم آزاد بود. منتها اغلب دانشجویان بدون هیچ نظارتی واقعاً لباس مناسب می‌پوشیدند. حتی خانمهای دانشجوی هم لباس مناسبی می‌پوشیدند. و اگر خانمی با لباس نامناسب می‌آمد دانشجویها به او اخطار می‌دادند و بودند کسانی هم که با موهای بلند می‌آمدند.

م.ک: میزان کتاب خوانی دانشجویان، کتاب‌های فوق برنامه چگونه بود؟

م.ش: در آن دوره کتابهای درسی و غیر درسی را از کتابخانه به امانت می‌گرفتیم. کتابهای مذهبی هم بیشتر در نمازخانه بود و در ساعات خاص باید از مسئول کتابخانه نمازخانه که یکی از دانشجویان بود امانت می‌گرفتیم.

### **م.ک: چرا الان دانشجویها کمتر علاقه به خواندن کتاب دارند؟**

م.ش: الان شرایط زندگی با آن زمان خیلی متفاوت است. آن زمان دانشجویان زندگی دانشجویی را پذیرفته و توقع زیادی نداشتند. از صبح تا شب در دانشگاه حضور داشتند. البته ناگفته نماند که با کمک هزینه هایی که به دانشجو تعلق می گرفت زندگی دانشجویی تامین می شد. به عنوان مثال هر دانشجو در ماه ۳۰۰ تومان کمک هزینه تحصیلی و اگر خوابگاه نداشت ۲۵۰ تومان کمک هزینه مسکن داشت. اگر در دانشگاه هم کار می گرفتی حدود ۲۵۰ تومان در ماه درآمد داشتی. بنابراین در ماه دانشجو می توانست تا حدود ۸۰۰ تومان دریافتی داشته باشد که برای زندگی دانشجو کافی بود. اجاره ماهانه یک اتاق ۱۵۰-۲۰۰ تومان بود. با توجه به تامین بودن زندگی، دانشجویان وقت آزاد خود را به مطالعه کتابهای درسی و غیر درسی اختصاص می دادند.

### **م.ک: کی ازدواج کردید؟**

م.ش: سال ۵۵ و در زمان دانشجویی.

### **م.ک: ببخشید ازدواج دانشجویی داشتید؟**

م.ش: خیر، ازدواج فامیلی داشتم.

### **م.ک: ببخشید البته. ولی همین که جرأت کردید زمان دانشجویی ازدواج کنید نشان دهندهی تأمین مالی است.**

م.ش: بله همانطور که اشاره شد چون دانشجویان زندگی دانشجویی را پذیرفته بودند، توقعات زیاد نبود. از طرفی کمک هزینه های موجود نیز نسبتاً خوب بود و اگر کمبودی وجود داشت با تدریس خصوصی جبران می شد.